فصـــــلنامه بیـــن المللـــــی قـــانـــون یـــار
License Number: 78864 Article Cod:2021S5D17SH9992586 ISSN-P: 2538-3701

بررسی حقوق اقلیت های مذهبی در فقه مذاهب

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر داود گوهری [۱]
استادیار الهیات، دانشکده ادبیات ، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
زهرا زیوری میرزایی
محقق و پژوهشگر

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی حقوق اقلیت های مذهبی در فقه مذاهب می باشد. یکی از ویژگی‌های دین اسلام، برقراری وحدت، برادری و صلح در میان آحاد جامعه است؛ به طوری‌که بر این اساس، زندگی اقشار مختلف مردم در جامعهٔ اسلامی بر پایهٔ همزیستی مسالمت‌آمیز شکل گرفته است. در این رابطه، تعاملی که بین مسلمانان با اقلیّت‌های مذهبی بر مبنای قرارداد ذمّه شکل گرفته، از مصادیق مهمّ صلح‌جویی دین مبین اسلام است. بی‌گمان اثبات ادّعای عدالت‌جویی و صلح‌طلبی دین اسلام در برخورد با هم‌پیمانان خود، تنها با اثبات حقوق مسلّم اقلیّت‌های مذهبی در جامعهٔ اسلامی میسّر است. دین اسلام به عنوان کامل ترین و آخرین راهنمای بشریت با حساسیت ویژهای به انسان به نگریسته و او را در آیات متعدد تکریم نموده و انسان را در انتخاب دین و عقیده با وجود اتمام حجت مخیر و آزاد گذاشته و ادیان پیش از خود را پاس داشته و پیروان آنادیان را محترم دانسته است.

واژگان کلیدی: حقوق، اقلیت های مذهبی، فقه، مذاهب، فقه امامیه

[۱] نویسنده مسئول

مقدمه

یکی از بحث‌های قابل طرح در جامعهٔ اسلامی، به‌ویژه در شرایط کنونی، موضوع تعامل با اقلیّت‌ها و حقوق آنهاست. این عنوان که هم قابل انطباق بر اقلیّت‌های مذهبی است و هم غیرمذهبی، ابعاد گوناگونی دارد. یکی از وظایف مهمّ حکومت اسلامی و نهادهای آن، به رسمیّت شناختن، نهادینه کردن و اجرای حقوق انسان‌های تحت حاکمیّت خویش است. پیامبر اکرم (ص) با انعقاد قرارداد صلح و سازش با اهل کتاب، این روش را به طور عملی به اجرا گذاشتند؛ زیرا از همان آغاز طلوع اسلام و به وجود آمدن جوامع اسلامی، جمعیّت‌ها و گروه‌هایی از پیروان ادیان مختلف، بدون آنکه به اسلام بگروند، در کنار مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی باقی ماندند و زندگی با مسلمانان را بر مهاجرت یا مسلمان شدن ترجیح دادند. حکومت اسلامی نیز در مواجهه با این فرقه‌ها و گروه‌های دینی باید از یک استراتژی مشخّص بهره می‌برد. از جملهٔ این فرقه‌ها، پیروان ادیان آسمانی دیگر همچون مسیحیان، یهودیان و مجوسیان بودند که حاضر به اسلام آوردن نبودند، امّا قصد جنگ هم نداشتند و خواهان زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان بودند. قرآن کریم با رسمیّت بخشیدن به اقلیّت‌ها و اعتراف به واقعیّت آنها، حقوق آنان را نیز به رسمیّت شناخته است. اسلام با یک پیوند معنوی، ارتباط خود را از واقعیّت آیین‌های آسمانی، غیر قابل تفکیک می‌شمارد:...لاَ نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱). همچنین از آیات دیگری که به صراحت به این مسأله اشاره دارد، می‌توان به موارد زیر استناد نمود: ... وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنجِيلِ وَ الْقُرْآنِ...: این وعده حقّی (بهشت) است بر او که در تورات، انجیل و قرآن ذکر فرموده. است... (۲)

همانگونه که پیداست، در این آیات، تورات و انجیل به عنوان وحی و کتاب آسمانی و حاوی شریعت الهی و معارف حقّه معرّفی می‌شوند و هم‌ردیف قرآن قرار می‌گیرند. حال باید دید دین اسلام که پیام‌آور صلح، عدالت و مظاهر خوبیهاست، چه حقوقی را برای اقلیّت‌های تحت لوای خود در نظر گرفته است؟ همچنین باید دید آنچه به عنوان جزیه از اقلیّت‌ها در حکومت اسلامی گرفته می‌شود، آیا اجحاف و ظلم در حقّ آنهاست یا علّتی دیگر دارد که

فقط باید اقلیّت‌ها آن را بپردازند؟ در پاسخ به این سؤال‌های بنیادی باید گفت اقلیّت‌ها در جامعهٔ اسلامی، هیچ گاه عنوان بیگانه نمی‌گیرند، لذا حکومت اسلامی با اینان قراردادی با نام پیمان ذمّه منعقد می‌کند که با انعقاد این قرارداد در حقیقت پیوند معنوی عمیقی بین این گروه‌ها با اسلام بسته می‌شود.(۳) و «ذمّی از فِرَق یهود و نصاری آن کس را گویند که در پناه اسلام است و با مسلمانان پیمان و عهد بسته است» حضرت امیر (ع) در عهدنامهٔ خویش با مالک اشتر می‌فرماید: «وَ مِنْهَا أَهْلُ الْجِزْيَةِ وَ الْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ»(۴). البته با توجّه به گسترهٔ معنایی وسیع واژهٔ «اقلیّت»، منظور از اقلیّت در این مقاله، اقلیّت‌های دینی یهودی، مسیحی و زرتشتی است و بررسی حقوق دیگر اقلیّت‌ها از حوصلهٔ این پژوهش خارج است و مجالی دیگر را اقتضا می‌کند.

با این رویکرد و نیز از آنجا که اثبات ادّعای عدالت‌جویی و صلح‌طلبی دین اسلام در برخورد با هم‌پیمانان خود، تنها با اثبات حقوق مسلّم اقلیّت‌های دینی در جامعهٔ اسلامی میسّر است، نگارندگان بر آن شده‌اند تا با استفاده از آیات و روایات به عنوان اصیل‌ترین منابع اسلامی و نیز دیگر منابع همچون حقوق اقلیّت‌ها اثر عمید زنجانی که پیشتر و مستقلاً به این مسأله پرداخته‌اند، به بررسی این حقوق در جامعهٔ اسلامی بپردازند.

بخش اول: حقوق اقلیتها

حقوق اقلیتها، مراد از اقلیت‌های دینی، مجموع افرادی هستند که پیرو دینی جز دین یا ادیان مورد قبول اکثریت جامعه‌اند و مراد از حقوق مجموعه حقوق و تکالیف اقلیتهای دینی در منابع اسلامی و حقوق موضوعه است.

بند اول: اقلیتهای دینی در منابع اسلامی

در منابع اسلامی، یعنی قرآن و حدیث و آرای فقها، امتیازات و تکالیفی برای غیرمسلمانان منظور شده است.در منابع فقهی، احکام مربوط به غیرمسلمانان عمدتآ در باب جهاد، و پاره‌ای احکام دیگر در ابوابی چون نکاح، ارث، حدود، قصاص و دیات مطرح شده است.در این منابع، غیرمسلمانانی که پیرو هیچ‌یک از ادیان شناخته شده یا اصطلاحاً اهل کتاب نیستند، از

اهل کتاب حقوق کمتری دارند و برخی مذاهب اسلامی حق اقامت در مناطق اسلامی را برای آنان قائل نیستند.(۵)

به نظر بیش‌تر فقها، اهل کتاب منحصرند به زردشتیان (مجوس)، یهودیان و مسیحیان برخی فقها صابئان را نیز، به گونه مطلق یا مشروط، به اهل کتاب ملحق کرده و به آیات قرآن استناد کرده‌اند.(۶).

از دیدگاه فقهی، این امکان برای اهل کتاب وجود دارد که در قبال پذیرش شروطی، با انعقاد قرارداد ذمه با حاکمیت اسلامی، از حقوقی برخوردار شوند؛ از این‌رو، در متون اسلامی اهل کتابی که قرارداد ذمه را پذیرفته‌اند، اهل ذمه، ذِمی و اهل جزیه نیز خوانده شده‌اند.(۷)

از دیدگاه فقها، شروط مذکور در قراردادِ ذمه عمدتاً به نظر حاکم اسلامی بستگی دارد؛ هر چند این شروط ــ که متضمن محدودیتهایی برای اهل ذمه است ــ در منابع فقهی با اقتباس از سیره عملی برخی خلفای نخستین ذکر شده است، شماری از فقها تصریح کرده‌اند که شروط مزبور به احادیث معتبر از پیامبر یا امامان علیهم‌السلام مستند نیستند و صرفاً جنبه پیشنهادی دارند .از این‌رو، بر پایه مصالح و منافع مسلمانان و ادله اجتهادی، حاکم می‌تواند آن‌ها را تغییر دهد (۸).

بخش دوم: مهم‌ترین اصول حاکم بر حقوق اقلیت‌ها

تشریع احکام مربوط به اقلیتهای دینی بر پایه اصول خاصی صورت گرفته، چه اصول عام و فراگیر چه اصولی که مستقیماً به اقلیتها مرتبط است .مهم‌ترین اصول حاکم بر حقوق اقلیتها بدین قرارند:

۱- اصل عدالت

اصل عدالت، که در قرآن، هم به صورت کلی بدان توصیه شده است، مانند آیه ۹۰ سوره نحل و هم در موارد خاص، از جمله هنگام روبه‌رو شدن با دشمن) به تصریح آیه ۸ سوره

مائده، عدالت حتی نسبت به دشمن نیز باید اجرا شود. براین اساس، رعایت عدالت در مورد اقلیتها، که چه بسا هم‌پیمان مسلمانان هستند، قطعاً ضروری است.(۹)

۲-اصل کرامت انسان

در قرآن ۱۵ تأکید شده که خداوند انسان (بنی‌آدم) را تکریم کرده است. در سیره پیامبر اکرم نیز ارج نهادن به همه انسانها مشهود بود و حتی نقل شده که آن حضرت هنگام تشییع جنازه یک یهودی برای احترام به پاخاست .

(۱۰) از توصیه‌های امیرمؤمنان به مالک‌اشتر آن بود که «به همه مردم خدمت کن زیرا آنان یا برادر دینی تو هستند یا در خلقت شبیه به تو (۱۱).

۳-اصل احسان

اصل احسان و نیکوکاری، که اقتضا دارد همگان مشمول احسانِ دیگر انسانها باشند؛ حتی به تصریح آیه ۸ سوره ممتحنه، برّ و نیکی به غیر مسلمانانی که به جنگ با مسلمانان برنخاسته‌اند، لازم است . به تعبیر حدیثی منقول از معصومان، همه افراد، چه شایستگان چه آنان که سزاوار نیکی نیستند، باید مشمول نیکی و احسان قرار گیرند .

۴- اصل وفای به عهد و پیمان

در قرآن رعایت این اصل، حتی در حق کافران و مشرکان، ضروری شمرده شده است. از جمله سفارشهای حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر، وفا به پیمانها و عهدها بود، حتی اگر طرف پیمان دشمن انسان باشد .(۱۲)

۵- اصل دعوت به پذیرش اسلام

به تصریح آیات قرآن، این دعوت جنبه اجباری ندارد و توصیه شده است که با گفتار حکیمانه، موعظه نیک و جدال نیکو صورت پذیرد.قرآن از به کارگیری شیوه‌های اجباری و روشهای آمیخته با اکراه و اجبار برای پذیرش دین حق بر حذر داشته است(۱۳)

۶- اصل سلطه نداشتن کافر بر مسلمان

برخی آیات به این اصل تصریح کرده‌اند، از جمله آیه ۱۴۱ سوره نساء ولَنْ یجْعَلَ اللّهُ للکافرینَ علی المومنینَ سبیلاً: خداوند هرگز برای کافران راهی قرار نداده است که به زیان مؤمنان باشد. احادیثی را هم دالّ بر آن دانسته‌اند، از جمله حدیث الاسلام یعلوا و لایعلی علیه اسلام برتر است و چیزی برتر از آن نیست)، که از پیامبر اکرم روایت شده است .(۱۴)

۷-اصل تألیف قلوب

اصل تألیف قلوب، که از اصولِ راهبردی در زمینه حقوق اقلیتهاست، به معنای تلاش برای ایجاد الفت و مَودّت قلبی با مخالفان اسلام.از جمله مصادیق آن در فقه اسلامی، مصرف زکات برای جلب محبت غیرمسلمانان به موجب آیه ۶۰ سوره توبه است.به تصریح فقها، تعبیر «المُؤَلَّفَةِ قُلوبُهم» در این آیه، شامل کافران هم می‌شود .(۱۶)

غیرمسلمانانی که به‌طور موقت (مثلاً برای سفرهای تجاری یا دیدار) وارد مناطق اسلامی می‌شوند براساس قرارداد امان و آن‌ها که در این مناطق ساکن‌اند، براساس قرارداد ذمه، که شبیه قرارداد تابعیت در حقوق بین‌الملل در دوران جدید است، با مسلمانان و حاکمیت اسلامی ارتباط حقوقی می‌یابند و در برابر تکالیف خود، از حقوقی برخوردار می‌شوند.این حقوق تا وقتی که غیرمسلمان قرارداد خود را نقض نکند، پابرجاست. در منابع اسلامی بر ضرورت پایبندی حاکم اسلامی به مفاد قرارداد امان و ذمه تأکید و گفته شده که حکومت، حق نقضِ یک‌جانبه قرارداد ذمه را ندارد .(۱۷)

۸- حق امنیت جانی و مالی

از مهم‌ترین حقوق اقلیتها، حق امنیت جانی و مالی است.پیامبراکرم فرموده است: «مَنْ آذی ذِمّیآ فَاَنا خَصْمُه» (هرکس یک ذمی را بیازارد من دشمن او هستم).(۱۸)

امام علی علیه‌السلام از کسی که به فردی امان دهد و بگوید که خونش را نمی‌ریزد و سپس عهد خود را بشکند، بیزاری جسته است، هر چند جایگاه مقتول آتش باشد بر این‌اساس، هیچ کس حق تعرض به جان و مال پیروان ادیان دیگر را ندارد.(۱۹)

۹-حق مالکیت

از دیگر حقوق اقلیتها، حق مالکیت آنان بر اموال خود است، حتی مالکیت آنان بر اموالی که برای مسلمانان ملکیت ندارد (مانند شراب، خوک و آلات لهو) محترم شمرده شده است و اگر مسلمانی آن‌ها را از بین ببرد یا به آن‌ها خسارت وارد کند، به نظر بیش‌تر فقها ضامن است .(۲۰) البته غیرمسلمانان درباره این اموال در جامعه اسلامی، برپایه قرارداد ذمه، محدودیتهایی دارند.مبنای این حق برای اقلیتها، قاعده الزام است که به موجب آن، همه اعمال حقوقی که بر طبق دین آن‌ها صحیح به شمار رود، از نظر دین اسلام هم صحیح تلقی می‌شود .(۲۱)

۱۰- به رسمیت شناختن احوال شخصیه اقلیت‌ها

از دیگر مصادیق کاربرد این قاعده در مورد اقلیتها، حق به رسمیت شناختن احوال شخصیه اقلیتها (یعنی ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و صحیح قلمداد شدن آنهاست .(۲۲)

اقلیتها می‌توانند در همه مناطق اسلامی، جز حرم مکه، حرم مدینه، حرم امامان شیعه علیهم‌السلام و مساجد، رفت و آمد کنند و در این مناطق سکنا گزینند . البته در مورد ساخت مسکن در مناطق مسلمان‌نشین، فقها براساس اصل نفی سلطه کافر بر مسلمان، شروطی قائل شده‌اند .بیشتر فقهای اهل‌سنّت ممنوعیت رفت و آمد را منحصر به حرم مکه و فقهای برخی مذاهب سکونت و اقامت آنان را در منطقه حجاز ممنوع دانسته‌اند .(۲۳)

۱۱-حقوق دیگر

علاوه بر اینها، حقوق دیگری نیز در متون و منابع اسلامی برای اقلیتهای دینی رسمی، به ویژه آن‌ها که با حاکم اسلامی قرارداد ذمه بسته‌اند، شناخته شده است، از جمله حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی .حتی حق برخورداری اقلیتها از تأمین اجتماعی نیز در متون اسلامی پیش‌بینی شده و بر پایه آنچه از سیره حکومتی امام علی علیه‌السلام گزارش شده است، آن حضرت دستور دادند هزینه زندگی پیرمردی مسیحی که توانایی کار کردن نداشت از بیت‌المال تأمین شود .(۲۴)

بخش سوم: کیفیّت تعامل اسلام در برخورد با اقلیّت‌ها

پیامبر گرامی اسلام (ص) به عنوان آخرین فرستادهٔ الهی، برای نخستین بار حکومت اسلامی را در مدینه و پس از آن در حجاز پایه‌ریزی کرد و با معجزهٔ جاویدان خود، قرآن، و قول، فعل و تقریر خود که سنّت نامیده می‌شود ، نظام سیاسی و حکومتی اسلام را بیان کرد و در عین حال، زندگانی پیشوایان معصوم و مبارزات پیگیر آنها با حکومت‌های وقت که مملوّ از حرکت‌های سیاسی بود، به نوبهٔ خود می‌تواند منبع بسیار نیرومند و الهام‌بخشی در فهم نظام سیاسی اسلام باشد. با برپایی حکومت اسلامی باید سیاست کلّی اسلام دربارهٔ اقلیّت‌های مذهبی نیز مشخّص می‌شد که آیا آنها در کشور اسلامی آزادند و می‌توانند در آسایش تحت لوای حکومت زندگی کنند یا خیر؟ همچنین اقلیّت‌های مذهبی در جامعهٔ اسلامی از چه حقوقی برخوردارند؟و سؤال‌هایی از این قبیل که در ادامه سعی شده تا بدانها پاسخ داده شود.(۲۶)

با مدد از آیات قرآن کریم می‌توان موضع کلّی اسلام را نسبت به اقلیّت‌ها آشکار ساخت؛ به عنوان مثال، دو آیهٔ ۸ و ۹ سوره مبارکه ممتحنه از مظاهر این مسأله می‌باشند، چنان‌که می‌فرماید: لاَ يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ: خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. * تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون‌راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطهٔ دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است.(الممتحنه/۹-۸)؛ «ازاین دو آیه،یک اصل کلّی و اساسی در چگونگی رابطهٔ مسلمانان با غیرمسلمانان استفاده می‌شود که نه تنها برای آن زمان، بلکه برای امروز و فردا نیز ثابت است و آن اینکه مسلمانان موظّف هستند در برابر هر

گروه، جمعیّت و هر کشوری که موضع خصمانه با آنها داشته باشند و بر ضدّ اسلام و مسلمین قیام کنند یا دشمنان اسلام را یاری دهند، سرسختانه بایستند و هر گونه پیوند محبّت و دوستی را با آنها قطع کنند. امّا اگر آنها در عین کافر بودن، نسبت به اسلام و مسلمین بی‌طرف بمانند و یا تمایل داشته باشند، مسلمین می‌توانند با آنها رابطهٔ دوستانه برقرار کنند. البتّه نه در آن حدّ که با برادران مسلمان دارند، ونه در آن حد که موجب نفوذ آنها در میان مسلمین گردد» (۲۷). به فرمودهٔ علاّمه طباطبائی معنای آیه این است که: «خدا با این فرمانش که فرمود: دشمن مرا و دشمن خود را دوست نگیرید، نخواسته است شما را از احسان و معامله به عدل با آنهایی که با شما در دین قتال نکردند و از دیارتان اخراج نکردند، نهی کرده باشد، برای اینکه احسان به چنین کفّاری خود عدالتی است از شما و خداوند عدالت‌کاران را دوست می‌دارد» (۲۸) . بر این اساس و بنا بر دو آیهٔ مذکور، سیاست کلّی اسلام دربارهٔ اقلیّت‌های مذهبی و مخالفان اسلام را می‌توان اینگونه استنباط کرد که «مادامی که اقلیّت‌ها به حقوق اکثریّت تجاوز نکنند و بر ضدّ اسلام و مسلمانان توطئه ننمایند، در کشور اسلامی کاملاً آزاد هستند و مسلمانان وظیفه دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند، ولی اگر بر ضدّ اسلام و مسلمانان با کشورهای دیگر بند و بست داشته باشند، مسلمانان موظّف هستند جلو فعّالیّت آنها را بگیرند و هرگز آنها را دوست خود ندانند» (۲۹).

بخش چهارم: تعهدات اهل ذمّه یا اقلّیت های دینی

با توجه به منابع فقهی و عهدنامه هایی که در صدر اسلام بین پیامبر و اهل کتاب یا اقلّیت های دینی منعقد شده اند، اقلّیت های دینی تعهداتی دارند که باید انجام دهند:

الف. رعایت یک سلسله شرایط :مهم ترین شرایطی که اقلّیت های دینی باید مراعات کنند، عبارتند از:

الف.پذیرش پرداخت جزیه(دراین موردجداگانه بحث خواهدشد)

ب. پرهیز از تظاهر به منکرات اسلامی;

ج. خودداری ازاذیت مسلمانانوارتکاب اعمال فحشادرموردآنان;

د. احترام گذاردن به احکام دادگاه اسلامی;

هـ پرهیز از اعمال منافی قرارداد ذمّه; مانند تصمیم گیری بر قیام مسلّحانه و کمک به دشمنان اسلام و مسلمانان.

شیخ طوسی در کتاب الخلاف می نویسد: «اگر اهل ذمّه اعمالی را مرتکب شوند که در شریعت آنان موجب حد باشد; مانند زنا، لواط، سرقت و قتل، حدّ بر آن ها جاری می شود، بدون خلاف; زیرا آنان به موجب قرارداد ذمّه، جریان احکام ما را پذیرفته اند. اگر مرتکب اعمالی شوند که در شرع آن ها حلال است; مانند خوردن گوشت خوک و شراب و ازدواج با محارم، مادام که تظاهر نکنند، دولت اسلامی متعرّض آنان نمی شود; اما اگر به این امور تظاهر کنند، بر امام واجب است که حدّ بر آن ها جاری کند، به دلیل اطلاق ادلّه حدود و اجماع.(۳۰)

ب. پرداخت جزیه :یکی از تعهدات اهل ذمّه پرداخت «جزیه» به دولت اسلامی است. اینکه «جزیه» چیست و مقدار آن را چگونه باید تعیین کرد و آیا پرداخت جزیه به معنای تحقیر و توهین اهل کتاب است، از جمله پرسش هایی هستند که نیاز به پاسخ دارند. درباره «جزیه» در قرآن کریم چنین آمده است: (قَاتِلُواْ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلاَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلاَ يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلاَ يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُواْ الْجِزْيَةَ عَن يَد وَهُمْ صَاغِرُونَ) (توبه: ۲۹); با کسانی از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز جزا ندارند و آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده است حرام نمی شمرند و آیین حق را نمی پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که جزیه را با دست خود، با خضوع و تسلیم بپردازند.

آیه مبارکه لحن تندی در مورد اهل کتاب دارد که شاید دلیل آن این باشد که اهل کتاب، بخصوص یهود، در صدر اسلام، کارشکنی های زیادی می کردند، حتی توطئه قتل پیامبر را چیدند و این لحن تند در برابر اهل کتاب با ویژگی هایی که در آیه برای آن ها آمده، چندان نامتناسب هم نیست. در عین حال، اسلام در آشتی را به روی آن ها می گشاید و آنان را با قبول پرداخت جزیه در جایگاه شهروند هم پیمان می پذیرد.

ارباب لغت گفته اند: «جزیه چیزی است که از اهل ذمّه (اهل کتابی که با مسلمانان پیمان هم زیستی دارند و در قلمرو اسلام زندگی می کنند) گرفته می شود، و جزیه به منزله پاداشی است که آنان در برابر حفظ جان و مالشان می پردازند. در برابر آن، دولت اسلامی امنیت همه جانبه آنان را تأمین می کند (۳۱)

پرداخت جزیه هرگز به معنای تحقیر و توهین آن ها نیست; چون این معنا نه از اصل کلمه «جزیه» و «صاغرون» استفاده می شود، نه با تعلیمات اسلام سازگار است و نه با سایر احکامی که درباره طرز رفتار با اقلّیت های دینی به ما رسیده است، تطبیق می کند. کسانی که آن را به معنای تحقیر و توهین گرفته اند، در واقع، ذهنیت خود را بر آیه تحمیل کرده اند. پرداخت جزیه احترام در برابر اسلام و مسلمانان و نشانه ای برای هم زیستی مسالمت آمیز و قبول یک اقلّیت دینی سالم در برابر اکثریت است. این جنجال، که جزیه مخالف شئون انسانی و خلاف اصل هم زیستی است، یک توهّم بی اساس می باشد; زیرا جزیه نوعی پاداش به دولت اسلامی از طرف شهروندان غیرمسلمان اهل کتاب است در برابر خدماتی که برای آنان انجام می دهد، نه کیفر و باج (حق زور گرفتن (۳۲)

ج. مقدار جزیه :جزیه مقدار معیّنی ندارد و تعیین آن بر عهده حکومت اسلامی است که مطابق شرایط و مصلحت، مقدار آن را مشخص می کند. کیفیت پرداخت آن نیز با توافق مقرّر می شود. اخذ جزیه مانند زکات، سالیانه است. در صورت عدم تعیین زمان، آخر هر سال گرفته می شود و مانند دیگر مالیات های اسلامی، در مصالح اسلام و جامعه به مصرف می رسد. کودکان و زنان از پرداخت جزیه معافند. به مستمندان مهلت داده می شود که در صورت کسب توانایی مالی، جزیه شان را بپردازند. اهل کتاب اگر پس از انعقاد قرارداد «ذمّه» از پرداخت جزیه خودداری کنند، به محل امنی فرستاده می شوند و از هرگونه تعرّض و غافل گیری مصونند.(۳۳) این نکته قابل توجه است که جزیه معمولا بسیار اندک بوده است. مطابق بعضی از روایات، گاهی یک دینار در سال مقرّر می شد و حتی آنان که قادر به پرداخت جزیه نبوده اند، معاف می شده اند (۳۴)

بخش پنجم: حقوق اقلیتهای دینی در جمهوری اسلامی ایران

حقوق اقلیتهای دینی در قوانین ایران، تا پیش از پیروزی انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ش، وضعِ حقوقی اقلیت‌های دینی، همچون سایر مردم، بیشتر تابع مشی سیاسی حکومتها، منش فردی پادشاهان و امرای محلی و برخی آرای عالمان مسلمان و غیرمسلمان بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، اقلیتهای مذهبی به مذاهب چهارگانه اهل سنّت و شیعیان زیدی ، و اقلیتهای دینیِ شناخته شده به زردشتی، کلیمی و مسیحی (ارمنی و آشوری) محدود شدند . همچنین این اقلیتها در محدوده قانون محترم‌اند، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه به عمل کردن بر طبق آیین خود مجاز. بر طبق اصل ۶۴ قانون اساسی و اصلاحیه آن، هر یک از اقلیتهای دینیِ رسمی می‌توانند نماینده‌ای در مجلس شورا داشته باشند. تنها تفاوت مقررات فعلیِ انتخابات اقلیتهای دینی با قانون مصوب ۱۲۹۰ش آن است که برای مشخص شدن اقلیتها در انتخابات، اصلاحیه مادّه ۲۰ قانون ثبتِ احوال (مصوب ۱۳۶۳ش) ثبت نوع دین اقلیتها را در اسناد سجلّیِ آنان (شناسنامه) لازم شمرده است.(۳۵)

در برخی اصول قانون اساسی تعابیر عامی آمده است که شامل اقلیتهای دینی هم می‌شود، از جمله: لزوم فراهم شدن زمینه مشارکت عمومی مردم در تعیین سرنوشت خود و تأمین امنیت قضایی برای همه مردم) اصل ۳)، حمایت قانون از همه مردم و برابری حقوق مردم) اصل ۱۹ و ۲۰)، حق انتخاب شغل مناسب (اصل ۲۸)، حق دادخواهی و انتخاب وکیل) اصول ۳۴ و ۳۵)، و اصل برائتِ همه اشخاص از ارتکاب جرائم. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی نسبت به قانون اساسی مشروطه، به آزادیها و حقوق بیشتری برای اقلیتهای دینی و مذهبی تصریح کرده است. در جمهوری اسلامی، اهتمام مسئولان متوجه تدوین قوانینی بوده که هر چه بیش‌تر همزیستی مسالمت‌آمیز همه ایرانیان را فراهم آورد و موارد اندک تفاوتهای حقوقی میان مسلمانان و غیرمسلمانان هم با کاربرد اجتهادهای جدید و متناسب با مقتضیات این عصر رو به کاهش نهاده است .(۳۶) بر این اساس، با تنظیم برخی

قوانین، زمینه فعالیتهای آزاد دینی اقلیتها در ایران فراهم شده است.بر پایه اصل ۶۷ قانون اساسی، نمایندگان اقلیتهای دینی در هنگام ادای سوگند در مجلس می‌توانند به کتاب مقدّس خود قسم بخورند.مواد ۳۷ و ۳۸ قانون فعالیت احزاب و انجمنها، مصوب ۱۳۶۱ش، پاره‌ای فعالیتهای دینی (مانند برگزاری مراسم مذهبی، تعمیر معابد و...) و نیز فعالیتهای اجتماعی (مانند تأسیس باشگاههای ورزشی و مراکز درمانی و خانه‌های سالمندان) و فرهنگی (مانند تأسیس مدارس و هنرکده‌ها و آموزش زبان خاص) را برای اقلیتها جایز شمرده و یارانه نقدی برای انجمنهای اقلیتهای دینی نیز پیش‌بینی شده است. مفاد قانون معافیت مالیاتی معابد و انجمنهای دینی مصوب ۱۳۱۲ش، در سال ۱۳۶۶ش تمدید و ابقا شد. شرط التزام عملی به احکام اسلام، که برای استخدام مسلمانان در قانون گزینش مصوب ۱۳۷۴ش مطرح شده، در مورد اقلیتها تغییر یافته و اجرای این قانون درباره آن‌ها تابع شرایط و ضوابط خاص متناسب با آنان است؛ البته اقلیتهای دینی نباید آشکارا احکام اسلامی را نقض کنند. اقلیتهای دینی علاوه بر استفاده از تعطیلات رسمی کشور، می‌توانند مطابق بخشنامه مورخ ۳ دی ۱۳۶۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، از مرخصی‌های ویژه در روزهای عید و جشن خاص خود، مانند روز کیپور، روز تولد زردشت، روز تولد حضرت مسیح و عید پاک هم استفاده کنند. در این بخشنامه این تعطیلات خاص برای زردشتیان پنج روز، یهودیان شش روز، مسیحیان آشوری هشت روز، مسیحیان ارمنی کاتولیک کاتولیک هفت روز و مسیحیان ارمنی گریگوری شش روز پیش‌بینی شده است.(۳۷)

بخش ششم: پیشینه تحقیق

قاسم ولی زاده بریمانلو (۱۳۹۴) در مقاله ای به بررسی حقوق اقلیت های قومی و دینی در فقه و حقوق اسلامی پرداخت. هدف عمده پژوهش حاضر بررسی حقوق اقلیت های قومی و دینی در فقه و حقوق اسلامی می باشد. بدین صورت پرسشنامه ای طراحی گردید. جامعه آماری پژوهش تعداد ۳۴نفر از اهالی اهل تسنن بجنورد می باشد. متغیرهای دموگرافیک مانند، سن، سطح تحصیلات مورد بررسی قرار گرفته است. نوع نمونه گیری تصادفی ساده و برای

تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. ابزارهای پژوهش پرسشنامه حقوق اقلیت های قومی و دینی بوده، این ابزارها پس از بررسی روایی و پایایی لازم برخوردار بوده اند. یافته های به دست آمده از پرسشنامه با نرم افزارSPSS مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن بیان شده است. در جهت تحلیل داده های آماری، از روش های توصیفی و استنباطی و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفادهشده و همچنین شاخص هایی که ما در این پژوهش مورد بررسی قراردادیم به صورت جدول آورده شده است. فرضیه های ما دراین پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند که با ارائه نتایج حاصله بیان شده اند. در این پژوهش سعی شده حقوق اقلیت های قومی ودینی در فقه و حقوق اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد(۳۸).

بهادر زارعی، کیمیا محمدی (۱۳۹۳). در مقاله ای به بررسی حقوق اقلیت ها از منظر اسناد بین المللی، اسلام و قانون اساسی ج. ا. ایران پرداخت. این پژوهش به دنبال نشان دادن آن است که در سه دهه اخیر اقلیت های مذهبی در جمهوری اسلامی ایران از طریق قانون اساسی و فتاوی فقها، به بخش زیادی از حقوق برابر نسبت به ایرانیان مسلمان دست یافته اند؛ اگرچه به نظر می رسد تا تحقق حقوق برابر با مسلمانان، با توجه به پاره ای محدودیت های قانونی و برخی اختلاف دیدگاه ها، فاصله نسبتا زیادی وجود دارد. در دوره اخیر، این مهم توسط نهادهای حقوقی و سازمان های ذیربط مورد توجه و تاکید بیشتری قرار گرفته است و اقلیت ها در جمهوری اسلامی ایران در زمینه برخورداری از حقوق قانونی خود، از موقعیت مطلوب تری نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر برخوردارند.(۳۹)

امید احمدزاده (۱۳۹۲) در مقاله ای به بررسی حقوق اقلیت های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص) پرداخت. بحث اصلی در این مقاله این است که در حکومت پیامبر اسلام (ص) چه حقوق و اختیاراتی برای اقلیت های دینی و نژادی در نظر گرفته شده است و گستره این حقوق تا کجاست؟ آنچه مسلم است این است که پیامبر (ص) در سیره و رفتار خویش به خوبی احترام به حقوق اقلیت ها را به اجرا گذاشته است. این حسن سلوک و رفتار احترامآمیز در ارتباط با همه اقلیت های دینی و نژادی به خوبی تحقق یافته است. تا جایی که پیامبر (ص)

با برخی از این اقلیت ها پیمانی تحت عنوان «عقد ذمه» منعقد ساخته که براساس آن اقلیت ها تعهداتی را نسبت به دولت اسلامی می پذیرند و در مقابل دولت اسلامی هم حقوق و اختیاراتی همچون برقراری امنیت، تأمین آزادی دینی و انجام مراسم مذهبی، انتخاب مسکن و شغل و غیره را برای آنان به رسمیت شناخته است.(۴۰)

نتیجه گیری

یکی از بحث های مطرح در حکومت اسلامی، به خصوص در شرایطکنونی، موضوع حقوق اقلیت ها است. این عنوان، که هم قابل انطباق براقلیت های مذهبی و غیر مذهبی است، ابعاد گوناگونی دارد. آنچه بیشتردر این تحقیق مورد توجه قرار گرفته، حقوق اقلیت های مذهبی است. هرچند اقلیت های غیر مذهبی نیز در صورتی که حالت محاربه به خودنگرفته باشند، دارای همان وضعیت اقلیت های مذهبی هستند.

یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی و نهادهای آن به رسمیت شناختن،نهادینه کردن و اجرای حقوق انسان های تحت حاکمیت خویش است. اگر چه اجرای چنین حقوقی جدای از ادای تکالیف نمی باشد. دولت اسلامی، که نمود دولت رحمت و گذشت است، ازهمان ابتدا به گونه ای عمل کرد که حقوق همه مردم تضمین گردد، مگرآن که با اعمال و رفتار خود، زمینه سلب این حقوق را از خویش به وجودآورد. قرآن کریم با رسمیت بخشیدن به اقلیت ها، حقوق آنان را نیز به رسمیت شناخته است. پیام اسلام و پیامبران (علیهم السلام) برای تحقق بخشیدن به این آرمان در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها، واردشده و موجب رحمت عالمیان گردیده است. هر فرد و گروهی می تواند بااختیار خود، هر عقیده ای را برگزیند، گر چه تنها دین پذیرفته شده نزدخداوند، چیزی جز اسلام نمی باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)با انعقاد قرار داد صلح و سازش با اهل کتاب، این روش را به طور عملی به اجرا گذاشتند.

اصطلاح اقلیت از نظر حقوقی شامل آن دسته از گروه های انسانی است که معمولا از جهت حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در موقعیت و شرایط حاشیه ای قرار دارند. امروزه با توجه به اهمیت بین المللی اقلیت ها، این موضوع به عنوان یک موضوع جهانی و مساله ای برای بسیاری از دولت ها مطرح است. ایران دارای اقلیت های گوناگون مذهبی، قومی و زبانی

است. این اقلیت ها در همه دوره های تاریخی ایران به دنبال مطالبات حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود بوده اند.

حقوق اقلیت ها از موضوعات مهم جامعه بین المللی و یکی از دغدغه های مهم در گفتمان عدالت حقوقی است. اقلیت ها در هر نظام حقوقی از حقوقی برخوردارند که این حقوق می تواند در ارزیابی آن نظام حقوقی معیار و محک سنجش قرار گیرد. در دین اسلام نیز رعایت حقوق اقلیت ها به ویژه اقلیت های دینی مورد توجه قرار گرفته است.

اصل این حقوق وتاکید برآنها از طرف شریعت اسلام وحقوق موضوعه ایران وبین الملل دارای حدود وقلمرویی است که تابع قوانین داخلی کشورهاست لذا آنچه به نظر می رسد امروز موجبات چالش را برای اقلیت ها در حوزه بیان وعقیده بوجود آورده است نقص پر رنگ قانون وشریعت نیست بلکه این نقیصه را بیشتر در حوزه عملکرد حاکمان وجوامع اکثریت دینی باید پی گرفت.

از مجموع آنچه در باب حقوق اقلیّت‌های مذهبی در جامعهٔ اسلامی از منظر قرآن و روایات معصومین، علیهم‌السّلام، مطرح گردید، یافته‌های زیر حاصل گردید:

۱ـ اهل ذمّه یا اقلیّت‌های دینی در جامعهٔ اسلامی از حقوقی برخوردارند که این حقوق برای آنها جاری و ساری می‌شود.

۲ـ هدف از تشریع جزیه برای اهل ذمّه، کیفر آنها نیست، بلکه التزام به احکام اسلامی است.

۳ـ جزیه به منظور اهانت و خوار کردن اهل ذمّه نیست و منظور از کلمهٔ «صاغرون» در آیهٔ ۲۹ از سورهٔ مبارکهٔ توبه این است که اقلیّت‌های مذهبی باید در برابر نظام اسلامی خاضع باشند.

۴ـ تا زمانی که اقلیّت‌ها به حقوق اکثریّت تجاوز نکنند و بر ضدّ اسلام و مسلمانان توطئه نکنند، در کشور اسلامی کاملاً آزادند و مسلمانان وظیفه دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند، ولی اگر بر ضدّ اسلام و مسلمانان با کشورهای دیگر زد و بند داشته باشند، مسلمانان موظّف‌اَند جلوی فعّالیّت آنها را بگیرند و هرگز آنها را دوست خود ندانند.

پی نوشت ها و منابع

۱-قرآن کریم سوره (البقره.آیه ۲۸۵).

۲-قرآن کریم سوره (توبه.آیه ۱۱).

۳-عمید زنجانی، عبّاسعلی. (۱۳۶۲). حقوق اقلیّت‌ها. چاپ دوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴- شریف الرّضی، محمّد بن حسین. (۱۴۲۲ ق.). نهج‌البلاغه. تعلیق و شرح صبحی صالح. قم: دارالهجره.

۵-ابن‌حجر عسقلانی، فتح‌الباری: شرح صحیح‌البخاری، بولاق ۱۳۰۰ـ۱۳۰۱، چاپ افست بیروت (بی‌تا)

۶-ابن کثیر، البدایۀ و النهایۀ، چاپ علی شیری، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۸.

۷- ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، قم ۱۴۱۰.

۸- علی‌بن عمر دارقطنی، سنن الدارقطنی، چاپ مجدی‌بن منصوربن سید شوری، بیروت ۱۴۱۷/ ۱۹۹۶.

۹-روح‌اللّه شریعتی، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، قم ۱۳۸۱ش.

۱۰- محمدبن حسن طوسی، المبسوط فی فقه‌الامامیۀ، ج ۱ و ۲، چاپ محمدتقی کشفی، تهران ۱۳۸۷.

۱۱-حسن‌بن یوسف علامه حلّی، تذکرۀ الفقهاء، قم ۱۴۱۴ـ.

۱۲- نامه ۵۳، علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، نهج‌البلاغه، چاپ صبحی صالح، بیروت ۱۹۶۷/۱۳۸۷، چاپ

۱۳-بقره/سوره۲، آیه۲۵۶ و یونس/سوره۱۰، آیه۹۹.

۱۴- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج۲۶، ص۱۴.

۱۵- محمدبن حسن طوسی، کتاب الخلاف، ج۳، ص۱۸۸، قم ۱۴۰۷ ـ ۱۴۱۱.

۱۶-محمدبن حسن طوسی، المبسوط فی فقه‌الامامیۀ، ج۱، ص۲۴۹، ج ۱ و ۲، چاپ محمدتقی کشفی، تهران ۱۳۸۷.

۱۷- علی‌بن عمر دارقطنی، سنن الدارقطنی، ج۳، ص۱۰۷، چاپ مجدی‌بن منصوربن سید شوری، بیروت ۱۴۱۷/ ۱۹۹۶.

۱۸-خطیب بغدادی، تاریخ بغدادی، ج۹، ص۳۴۳.

۱۹- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج۱۵، ص۶۸ـ۶۹.

۲۰-محمدبن محمد مفید، المُقْنِعَهٔ، ج۱، ص ۷۷۰، قم ۱۴۱۰.

۲۱-حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایهٔ الفقیه و فقه‌الدولهٔ الاسلامیهٔ، ج۳، ص۴۵۴، قم، ج ۲، ۱۴۰۸، ج ۳، ۱۴۱۱.

۲۲- جعفر بن حسن محقق حلّی، شرائع‌الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج۱، ص۵۲۱، چاپ صادق شیرازی، تهران ۱۴۰۹.

۲۳- محمدحسن بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج۲۱، ص۲۸۴، بیروت ۱۹۸۱.

۲۴- روح‌اللّه شریعتی، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، ج۱، ص۹۹ـ۱۶۳، قم ۱۳۸۱ش.

۲۵-دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حقوق اقلیت‌ها»، شماره۶۳۴۷.

۲۶-معارف، مجید. (۱۳۸۸). تاریخ عمومی حدیث. تهران: کویر.

۲۷-مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ج ۲۴. تهران: دار الکُتُب الإسلامیّه.

۲۸-طباطبائی، محمّدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمهٔ محمّدباقر موسوی همدانی. ج ۹و ۱۹. قم: دفتر انتشارات جامعهٔ مدرّسین قم.

۲۹-سبحانی،جعفر. (۱۳۷۰). مبانی حکومت اسلامی. ترجمهٔ داود الهامی. قم: توحید.

۳۰-شیخ طوسی، کتاب الخلاف، الجزء الخامس، ص ۵۵۳، مسئله ۲۲.

۳۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۳۸۹.

۳۲- مرتضی مطهّری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۲۶۲.

۳۳-روح اللّه خمینی، پیشین، ج ۲، ص ۴۴۸ / شیخ طوسی، کتاب الخلاف، ج ۵، ص ۵۴۵، مسئله ۹.

۳۴- شیخ طوسی، کتاب الخلاف، مسئله ۱۰ (با استدلال به آیه ۲۸۶ سوره بقره و آیه ۷ سوره طلاق) / ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۹۱.

۳۵- ایران، قوانین و احکام، ج۱، ص۸۸۸ـ۸۹۳، مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، همراه با آراء وحدت رویه، نظریات شورای نگهبان، نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری، نظریات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آراء دیوان عدالت اداری و، تدوین جهانگیر منصور، تهران ۱۳۸۵ش.

۳۶-امام خمینی، صحیفه نور، ج۲، ص۳۷، ج ۲، تهران ۱۳۷۰ش.

۳۷- اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۵۸ـ۱۳۳۸ش)، به کوشش تورج امینی، ج۱، ص۵۱ـ۶۲، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰ش.

۳۸-قاسم ولی زاده بریمانلو .(۱۳۹۴) . بررسی حقوق اقلیت های قومی و دینی در فقه و حقوق اسلامی. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی

۳۹-بهادر زارعی، کیمیا محمدی (۱۳۹۳). حقوق اقلیت ها از منظر اسناد بین المللی، اسلام و قانون اساسی ج. ا. ایران. نشریه پژوهش های سیاسی جهان اسلام. دوره۳. شماره۴

۴۰-امید احمدزاده (۱۳۹۲). . بررسی حقوق اقلیت های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص) .مطالعات حقوق بشر اسلامی سال اول. شماره ۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی